



سردار شهید سید علی ابراهیمی از فرماندهان تیپ ۲۱ امام‌رضاع) بود

گفت‌وگوی «جوان» با همسر و یکی از هم‌زمان سردار شهید سیدعلی ابراهیمی از فرماندهان تیپ ۲۱ امام‌رضاع)

۶۰۰ سرباز عراقی با سخنان سیدعلی تسلیم شدند

شکوفه زمانی

سردار شهید سیدعلی ابراهیمی، قائم‌مقام طرح و عملیات تیپ ۲۱ امام‌رضا (ع) بود که در دوران دفاع مقدس مسئولیت‌های متعددی برعهده داشت. فرماندهی گردان الحدید، مسئول محور و معاون طرح و عملیات تیپ ۲۱ از جمله این سمت‌ها بود. شهید ابراهیمی بارها در خط مقدم نبرد زخمی شد و تا مرز شهادت پیش رفت. او نهایتاً در زمستان سال ۶۵ و حین عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. در گفت‌وگویی که با سکینه‌سادات ابراهیمی، همسر و هادی نعمتی هم‌رمز شهید داشتیم، مروری به زندگی جهادی این شهید بزر گوار انداختیم. اسفندماه یادآور حماسه‌ای است که شهید ابراهیمی در عملیات بدر آفرید و با سخنان خود توانست کاری کند تا ۶۰۰ نفر از نیروهای دشمن، خود را تسلیم رزمندگان اسلام کنند.

همسر شهید

کمک خرج خانواده

سکینه‌سادات ابراهیمی، همسر شهید در خصوص زندگی ایشان می‌گوید: «سیدعلی اول آبان ۱۳۳۷ در خانواده‌ای مذهبی و متدیین به دنیا آمد. در دوران کودکی مادرش را از دست داد. شش خواهر و برادر بودند و اوضاع مالی پدرشان خوب نبود. برای همین سیدعلی بیش از بقیه احساس مسئولیت می‌کرد. چون از همه بچه‌های خانواده بزرگ‌تر بود. قوت مادر از یک سو و اوضاع مالی پدر باعث شد تا سیدعلی در کودکی تحصیل را رها کند و به شغل جوشکاری بپردازد. خودم متولد ۱۳۴۳ هستم و با شهید نسبت فامیلی داشتیم. ایشان پسر عموی بودند. ششم آبان ۱۳۵۹ با هم ازدواج کردیم. حاصل ازدواجمان با سیدعلی سه دختر به نام‌های سمیه‌سادات متولد ۱۳۶۰،

به او نیاز است سریع عازم شد. روزهای آخر قیلاً شهادتش همیشه از شهید و شهادت صحبت می‌کرد و می‌گفت «باید لایق باشی تا شهید شوی.» زمانی که همسرم به شهادت رسید، دخترهایم به ترتیب پنج و سه‌ساله بودند و دختر آخرم را هم سه‌ماهه باردار بودم. دختر کوچکم شش ماه بعد از شهادت پدرش به دنیا آمد. خدا را شکر دخترهایم تحصیلات عالی دارند. با آنکه سایه پدر را در زندگی زیاد حس نکردند ولی از دعای خیر پدر توانستند به مدارج عالی تحصیلی برسند.»

هیچ دلیستگی مانعش نبود

همسر شهید با یادآوری خاطرات زندگی مشترکش با شهید می‌گوید: «هنوز چند روزی از ازدواجمان با سیدعلی نگذشته بود که ایشان راهی جبهه شد. اعزام‌های پشت سرش به جبهه سر آغازی برای روزهای تنهایی من شد. من باید زندگی خود را بدون سیدعلی مدیریت می‌کردم. در یکی از عملیات‌ها موج انفجار او را برای سومین بار مجروح کرد و به مدت ۲۴ ساعت بی‌هوش شد و از حالت عادی کارهای روزانه‌اش خارج شد.

همسرم چهار مرتبه هم در عملیات قادر طرف چپ بدنش مجروح شد و به مدت دو ماه دست و پایش به وزنه آویزان بود. مرحله پنجم در عملیات کربلای ۴ از ناحیه دست آسیب دید. مرحله ششم قبل از شهادت بود که به شدت مجروح شد. سیدعلی در عملیات والفجر مقدماتی، والفجر ۳ و خیر معاون گردان و در عملیات میمک، بدر، قدس، خط دفاعی مجنون، قادر، کربلای ۱، کربلای ۲، حاج‌عمران، کربلای ۴ و کربلای ۵ مسئول تیسم ۲۱ امام‌رضاع) بود. به سبب مسئولیت‌های سنگینی که در منطقه جنگی عهده‌دار بود، کمتر به خانه می‌آمد.

هر موقع که از جبهه بر می‌گشت، من شروع می‌کردم تمام مشکلاتی که طی نبودن‌هایش داشتیم را مطرح می‌کردم. شهید در جوابم می‌گفت «به خاطر خدا و در راه رضای خدا تحمل کنید اینها ذخیره آخرت است.» همین جمله شهید منجر می‌شد در نبودش با توکل بر خدا، به خود تکیه کنم و راحت‌تر بتوانم با مشکلات زندگی کنار بیایم.»

عبادت از خانواده شهدا

همسر شهید از خصوصیات اخلاقی سیدعلی اینطور می‌گوید: «سیدعلی هر موقع از جبهه به مرخصی می‌آمد، چون برای خانواده شهدا احترام خاصی قائل بود، اغلب دوران مرخصی‌اش را صرف ملاقات با خانواده شهدا و رفع مشکلات آنها می‌کرد. همین اخلاقی شهید موجب شده بود که ما هم، همگی می‌رفتیم و به خانواده شهدا سرکشی می‌کردیم. یا از مجروحانی که در بیمارستان بودند عبادت می‌کردیم. با آنکه از شهادت سیدعلی ۲۷ سال می‌گذرد، ولی خیلی‌ها در زیارت قبر شهید نیت می‌کنند و حاجت می‌گیرند.»

شهادت پدر در ۳ سالگی رقیه

همسر شهید از سخنانی که سیدعلی قبل از شهادتش بیان کرده بود، می‌گوید: «هیچ‌گاه ندیده‌بودم که سیدعلی از سختی کارش یا سنگینی مسئولیت‌اش من سخن بگوید. همیشه خود را یک بسیجی یا سرباز می‌دانست و تابع فرمان حضرت امام(ره) بود. برای همین فرزندانم به علت حضور مداوم پدرشان در جبهه، وی را کمتر در منزل به یاد می‌آوردند. همیشه بزرگ‌ترین آرزوی سیدعلی شهادت بود. خودش هم زمان شهادتش را به ما اطلاع داده بود. وقتی فرزند دوم‌مان به دنیا آمد، همسرم در جبهه بود. وقتی از این خبر مطلع شد، مرخصی گرفت و به خانه آمد و اسم دخترش را رقیه (سعیده‌سادت) گذاشت و گفت «وقتی رقیه سه‌ساله شود، من شهید می‌شوم.» همان‌طور که ایشان گفته‌بود، وقتی رقیه به سن سه‌سالگی رسید، همسرم به شهادت رسید.»

نزدیک‌ترین جابه‌توا!

همسر شهید با بیان خاطره‌ای از هم‌زمان سیدعلی در خصوص نحوه انتقال پیکرش، می‌گوید: «سیدعلی به هم‌زمانش گفته‌بود که اگر شهید شد دوست دارد جنازه‌اش برنگردد. در عملیات کربلای ۵ جنازه‌علی را به یکی از رزمندگان داده بودند تا با آمبولانس او را به معراج شهدا منتقل کند. این رزمنده تعریف می‌کرد که در راه سه بار در عقب آمبولانس باز شد و پیکر به بیرون افتاد. حتی هنگامی که دست‌های جنازه را به صندلی بستیم. باز طبعاً پاره شد و در آمبولانس باز شد و جنازه به بیرون افتاد. سرانجام مجبور شدیم جنازه سیدعلی را در بغل بگیریم و تا پشت خط، پیش پیکر سردار شریفی ببریم. اما موقع حرکت مجدد هر چه‌کار دادیم لاستیک‌های آمبولانس روی

منازعت

ارتباط با ما ۰۶۰۰۲۳۸۵۸۵



شهید ابراهیمی و همسرش در کنار قالیاب

خاک می‌چرخید و حرکت نمی‌کرد. شهید بابا نظر مشث محکمی به آمبولانس زد و گفت سید به جدت برو و دیگر واینستا. بعدها متوجه شدیم علی در وصیتنامه‌اش نوشته بود:ای خدای خالق! دوست دارم در جایی دفن شوم که از همه جا به تو نزدیک‌تر است.»

هم‌رمز شهید

مدیریت سیدعلی در خبیر

هم‌رمز شهید ابراهیمی نیز در ادامه می‌گوید: «من در بیشتر عملیات‌ها همراه سردار سیدعلی بودم و آشنایی ما با هم به سال ۱۳۶۰ و زمان فرماندهی ایشان در سپاه کلات برمی‌گردد. کمی بعد ایشان در گردان‌الحدید از تیپ ۲۱ امام‌رضاع) مشغول به کار شد. آن موقع فرمانده گردان شهید محمد ابراهیم شریفی بود. عملیات خبیر در سال ۱۳۶۲ در اوایل اسفندماه انجام شد. هر دو در یک لشکر بودیم. عملیات خبیر اولین عملیات ای-خاکی رزمندگان در جنگ تحمیلی بود.

برای این عملیات رزمندگان در حدود ۴۰ کیلومتر در آب‌پارو می‌زدند تا به خاکریز دشمن برسند. عملیات نزدیک صبح شروع شد و مأموریت ما گرفتن‌القرنه در خاک عراق بود.‌القرنه هم محل تقاطع دو رود دجله و فرات و محل تشکیل شط‌العرب هم بود. عملیات بسیار گسترده‌ای بود. وقتی که رزمندگان در آب به سمت دشمن حرکت کردند، فردایش رژیم عراق با هواپیما محل عملیات را بمب باران کرد و نتگذاشت امکانات زیادی وارد منطقه شود.

در این عملیات برای اولین بار بچه‌های جهاد به طول ۱۳ کیلومتر بی‌های خبیری را ایجاد کردند. رزمندگان با وسایل بسیار کم به مدت سه روز در مقابل دشمن مقاومت کردند. در این مرحله از عملیات، من و شهید سیدعلی ابراهیمی با هم بودیم. او بسیار شجاع بود. خصوصاً نحوه مدیریت و فرماندهی‌اش در عملیات خبیر، بسیار به چشم می‌آمد. بعد از این عملیات، سیدعلی از جانشینی به فرمانده گردان رسیدند. شهید شریفی هم جزو نیروهای طرح و عملیات شد.»



کنار پیکر شهید ابراهیمی در بزم شهید

اروزنامه جوان | شماره ۶۹۸۲

عملیات بدر با سیدعلی

هم‌رمز شهید ادامه می‌دهد: «عملیات بدر از ۱۹ اسفندماه شروع شد و تا آخر سال ۱۳۶۳ ادامه داشت. هدف این عملیات تسخیر بزرگراه بغداد بصره بود. در این عملیات نیروهای ما برای گذر از نزارها از پل‌های شناور استفاده می‌کردند و نیروهای داوطلب بسیج را به سلاح‌های ضد تانک مجهز کرده بودیم.

در انشای عملیات و نزدیکی‌های صبح که سیدعلی به همراه نیروهایش به خط دشمن زده بود، با کمین دشمن مواجه شد و دشمن با تیربار روی بچه‌ها که در آب حرکت می‌کردند، آتش گشود. اما با کنترل و هدایتی که سیدعلی داشت، نیروهایش توانستند به اهدافی که برای آنها تعیین شده بود دست پیدا کنند. در این عملیات صورت شهید ابراهیمی بر اثر شلیک آر.بی.جی مثل زغال سیاه شده و سرش ورم کرده بود. با این حال بچه‌ها هر کاری می‌کردند تا او را به عقب ببرند، قبول نمی‌کرد. می‌گفت نمی‌خواهم بچه‌ها را در عملیات تنها بگذارم.»

تسلیم شدن ۶۰۰ سرباز عراقی

هم‌رمز شهید با تعریف خاطر‌های جالب‌اب سردار شهید سیدعلی ابراهیمی می‌گوید: «سید چون متولد کربلا بود، به زبان عربی تسلط داشت. ایشان در عملیات بدر بلندگو به دست گرفت و با زبان عربی مشغول سخنرانی برای نیروهای دشمن شد که در خط خودشان صدای ایشان را می‌شنیدند. ایشان چند آیه قرآن و روایات را برای عراقی‌ها بیان کرد و در انتها با معجزه کلامش توانست کاری کند تا ۶۰۰ نفر از نیروهای دشمن خودشان را تسلیم کنند. جالب‌تراینکه قبل از تسلیم شدن این تعداد از نیروهای دشمن، دو تا از بچه‌های هوانیروز ما که اسیر عراقی‌ها شده بودند، با تسلیم شدن نیروهای دشمن، آنها‌نیز آزاد شدند و به نزد ما آمدند.»

اصابت ۴ تیر به تن سیدعلی

هم‌رمز شهید اظهار می‌دارد: «در عملیات قادر ۲ که در سال ۱۳۶۴ انجام گرفت. بنده به‌عنوان جانشین سید همراه ایشان بودم. در این عملیات باید مسافت زیادی را در کوهستان طی می‌کردیم تا به خاکریز دشمن می‌رسیدیم. ما به پشت میدان مین دشمن رسیدیم و عراقی‌ها متوجه حضور ما شدند. شروع به تیراندازی کردند و با مقاومت بچه‌ها توانستیم تا نزدیکی ظهر دو قله را فتح کنیم. اما دشمن کاملاً جچه‌ها را محاصره کرده بود. شهید ابراهیمی در این مرحله از عملیات چهار مرتبه مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت. یکبار تیر به بازوی سیدعلی خورد و دوباره به پای راست و پای چپ و مرحله آخر به بازوی دیگر سید گلوله خورد. به کمک بچه‌ها سیدعلی راه به پشت خط منتقل کردیم تا به بیمارستان تهران منتقلش کنند. وقتی سید بهبود یافت، دوباره راهی جبهه شد تا در عملیات والفجر ۸ شرکت کند.

سیدعلی فرماندهی و هدایت بچه‌ها در والفجر ۸ را برعهده داشت تا به عملیات کربلای ۴ رسید. در این عملیات مأموریت داشت گردان را از نهر عریض و اروند با آن سمت جزیره امام‌صمصا و جزیره ماهی هدایت کند. آن زمان فرماندهی لشکر ۱۲۱ امام‌رضاع) را از سال ۶۳ تا ۶۶ سردار قائانی (فرمانده نیروی قدس) برعهده داشت. آنقدر حجم آتش از سوی دشمن روی نیروهای سردار ابراهیمی که از ازند عموری می‌کردند، زیاد بود که با سار قائانی تماس گرفت که نمی‌شود بچه‌ها را از مسیر نهر عریض عبور داد. آنقدر که سردار قائانی به سردار ابراهیمی اطمینان داشت، گفته بود اگر علی (سردار سیدعلی ابراهیمی) می‌گوید نمی‌شود، پس نمی‌شود. طولی نکشید که بچه‌ها عقب‌نشینی کردند. بعد از کربلای ۴، سیدعلی در کربلای ۵ شرکت کرد و در روز چهارم کربلای ۵ به شهادت رسید.»

آرامگاه ۳ هم‌رمز در کنارهم

هم‌رمز شهید سیدعلی ابراهیمی در پایان می‌گوید: «در کربلای ۵ شهید ابراهیمی مسئول محور عملیات و شهید شریفی جانشین عملیات و شهید بابا نظر فرماندهی تیپ را برعهده داشت. شهید سردار شریفی آنقدر در جنگ زنده بود که در سن ۳۷ سالگی او را چریک پی‌رمی خواندند. سردار شریفی راننده و همین‌طور کساوروز در قلعه سرخ تربت‌جام بود. ایشان به مقامی رسیده بود که خبر شهادت خودش را این همسنگارش اعلام کرده و گفته بود فردا شب علاوه بر من، سیدعلی هم به شهادت می‌رسد. جنازه من را نگه‌دارید تا جنازه سیدعلی بیاید و هر دو ما را با هم تشییع کنید. همین‌طور هم شد و هر دو با هم تشییع شدند. بعد از اتمام دفاع مقدس، بابا‌نظر به شهادت رسید و هم اکنون مزار این سه هم‌رمز و دوست قدیمی، هر سه در بهشت رضاع) در کنار هم قرار دارد و زیارت‌نگاه عاشقان است.»

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۹۸۲

از راست به چپ

۱- فرمانده شهید نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (شهادت ۱۹ دی ۱۳۸۴) - تلخی بی‌سروته ■ ۲- رابطه خویشاوندی ابا و اجنادی - از تجهیزات از مایشگاهی برای ضدفونی و استریلیزاسیون- سنگ در تداول کودکان ■ ۳- قیمت بازاری- پهلوان- آستانی در جنوب شرقی عراق و مرز ایران- متحیر و سرگشته شدن ■ ۴- مدرسه علمیه- یازده- انگل ■ ۵- خوناپه- دریا- بلوز رکابی- سنگ آسیاب ■ ۶- غذای نذری- پایتخت هنر و فرهنگ استرالیا- جای بدون هوا ■ ۷- خوشه ستارگان پروین- اسلحه‌ای در شمشیربازی- نیاز صنعت چاباب ■ ۸- مادر عرب- زدنی‌دب‌به دیگران- کتاب شاتو بریان- ماه سرد ■ ۹- استخوان بندگاه ساق و پا- سحر باران مغولان- همراه جادو ■ ۱۰- رنگ تفر- ترکیب شده با اکسین- شامه‌نواز ■ ۱۱- تهوع- پیامبری که همسرش به مجسمه‌ای از نمک تبدیل شد- عضو پیچ در پیچ شکم- جرقه آتش ■ ۱۲- مأمور عملیات ویژه- پول زاپن- دم‌بازدم ■ ۱۳- تست و امتحان- جانور خیالی ترسناک- جامش معروف است- ویتامین انعقاد خون ■ ۱۴- از رده و دل‌تنگ- همسر یعقوب نبی- زیراندازی شبیه گلیم ■ ۱۵- گربه عرب- از دستاورهای مهم در رسیدن به دولت الکترونیک

از بالا به پایین

۱- از قدیم گفته‌اند اینن یکی جواب ندارد- غذای سنتی کرمان ■ ۲- هجوم غیرمنتظره- قهوه‌ای مات- لانه پرنده ■ ۳- هفتادودومین سورره- سرما- قوم صالح- مزه فلقل ■ ۴- همسر فرعون عصر حضرت موسی- تلخ- طایفه کریم‌خان- حرف صریح ■ ۵- ریسمان- زاج سیاه- شاهد ■ ۶- علامت فعل استمراری- کشور تیرانا- آخور ■ ۷- بلوط- سائل- نشو و نما ■ ۸- نوعی تریلی- کارزار- مزاحم اینترنتی- شیشه از مایشگاه ■ ۹- میانه- مخترع لگاریتم- تیمی در فوتبال اسپانیا ■ ۱۰- نکته‌سنجی- بیرون کشیدن- لبریز ■ ۱۱- پدر اختراع- جگرخوار بنی امیه- سبکسر ■ ۱۲- آوای زمی‌کار- گونه- میوه خوب- ارتباط تلفنی ■ ۱۳- ادب- نشده- ادویه تند- ریگ نرم- آب آذری ■ ۱۴- از رده و دل‌تنگ- خورشت قیمه- کسار سرسری- عقونست قارچی دهان ■ ۱۵- چنین آدم شریک مال مردم است- حق دلالی

		۵	۳		
		۶	۲		۱
			۹	۵	۳
				۵	۸
			۹	۴	۶
				۸	۱۴
			۶		۵

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ تاطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌درسه فقط یک‌بار

به‌کارروند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۹۸۱

۷	ا	ب	س	ل	ا	۸	د	۵	۵
۵	د	ل	۸	۷	ب	ا	س	۳	۵
س	ا	۸	۵	د	ب	۷	ل	ا	ا
ل	۸	۷	ب	ا	د	۵	س	ا	ا
ا	۵	ا	۸	س	د	۷	ب	۷	ب
ب	س	د	۷	ا	۵	ل	ا	ا	ا
۸	۷	ا	ا	ب	ل	س	د	۵	د
ا	ا	۵	د	س	۷	ا	۸	ل	ا
ا	ا	س	ا	۵	۸	ب	۷	د	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳
۲	۶	۵	۴	۳	۲	۶	۵	۴	۳	۲	۶	۵	۴
۳	۷	۶	۵	۴	۳	۷	۶	۵	۴	۳	۷	۶	۵
۴	۸	۷	۶	۵	۴	۸	۷	۶	۵	۴	۸	۷	۶
۵	۹	۸	۷	۶	۵	۹	۸	۷	۶	۵	۹	۸	۷
۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۱۰	۹	۸	۷	۶	۱۰	۹	۸
۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۱۱	۱۰	۹
۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۱۲	۱۱	۱۰
۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۱۳	۱۲	۱۱
۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۱۴	۱۳	۱۲
۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۵	۱۴	۱۳